

گزارش «شهروند» از ماجرای مرگ پرابهام کودک کار معروف

# پسر بی آرزو در آخر خط

**[سیمافراهانی]** یک ماه دیگر بیست ساله می شد، پسری که وقت نداشت به آرزوهایش فکر کند. از نوجوانی کار کرد. درآمد داشت. مجبور بود برای ادامه زندگی کار کند. می گویند که رضا با دستان خودش به زندگی خود پایان داده است. ولی هنوز این موضوع هیچ تأیید رسمی نشده است. پسر جوانی که مرگ مرموزش با معماها و حاشیه های بسیار زیادی روبه رفته است.

رضا معروف بود؛ چون هفت سال پیش در برنامه ماه عسل شرکت کرده بود. از آرزوهایش نگفته بود؛ چون اصلاً آرزویی نداشت. رضا پس از هجده سالگی، مدتی در خانه اشتغال لب خط از زیر مجموعه های جمعیت امام علی (ع) یعنی در کارگاه خیاطی، مشغول به کار شد. به گفته اطرافیان رضا، او برای تغییر زندگی خود ایستاد، تلاش کرد و به تدریج به نقطه اتکا و الگویی سالم برای دیگر کودکان و نوجوانان خانه ایرانی تبدیل شد. رضا، به عنوان یک استعداد، در حال درخشیدن در عرصه هنر نیز بود و در آثار هنری گروه تئاتر خانه ایرانی لب خط ایفای نقش کرده بود. همین ها نشان می دهد که رضا نسبت به زندگی ناامید نبوده است؛ بلکه تلاش می کرده تا روی پای خود بایستد. تا بتواند پیشرفت کند، با این حال او حالا دیگر نفس نمی کشد.

## محله لب خط رضاهای زیادی دارد

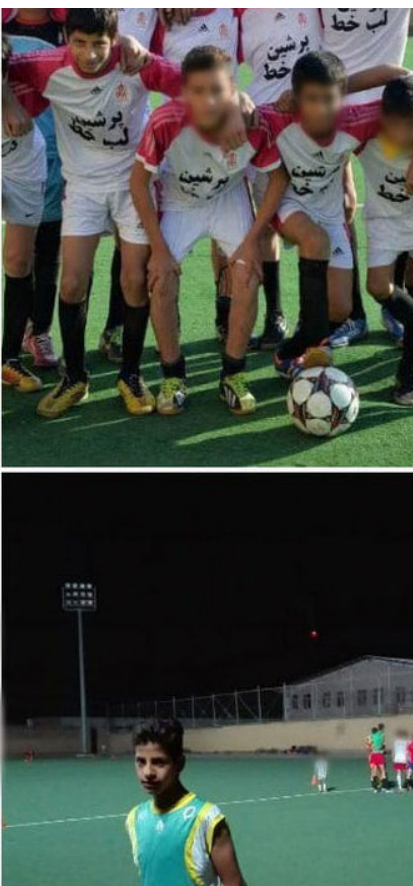
سوسن مازیا فرار، مسئول خانه ایرانی لب خط، در گفت و گو با خبرنگار «شهروند» جزئیات بیشتری از زندگی رضا روایت کرد: «رضا بعد از مرگ مادرش حال مساعدی نداشت. مادر او دو سال پیش در بیمارستان به علت یک بیماری جان باخت. مرگ او شوک بزرگی را به رضا داد. با این حال رضادغدغه های ذهنی بسیار زیادی داشت؛ مهم ترین آن وضعیت محله لب خط بود. فقر، اعتیاد و کودکانی که تحت هیچ حمایتی نیستند، رضا را آشفته کرده بود. همیشه می گفت نمی خواهم از این محل بروم، می خواهم این محله امن شود. می خواهم با خوار و برادر و دوستانم در این محله با امنیت کامل زندگی کنم؛ اما هیچ وقت صدایش شنیده نشد. مانند رضا بسیاریند. محله لب خط رضاهای زیادی دارد. اینکه وقتی کسی مرد تازه بخواهیم صدای او را بشنویم، درست نیست.»

## به دغدغه های امثال رضا توجه بیشتری کنیم

ما زیار فر قهرمان در ادامه صحبت هایش می گوید: «اینکه بخواهیم بعد از این چنین حوادثی یادمان بیفتد فردی را ببینیم، صدایش را بشنویم و مرتب از او و دغدغه هایش حرف بزنیم درست نیست. کاش به جای این کار وقتی امثال رضا زنده هستند، به سراغ شان برویم. به دغدغه هایشان رسیدگی کنیم. رضا باهوش بود. با وجود سختی های بسیار زیادی که کشیده بود ولی روی پای خود ایستاد. محکم بود. افکار بزرگ داشت. او وقتی نفس می کشید، قهرمان بود. حالا هم مثل او زیاد است. فقط یک نهاد نمی تواند به این مسائل امثال رضا رسیدگی کند باید همه دست به دست هم دهند تا بتوان از این گونه فاجعه ها جلوگیری کرد. بارها گفته ایم این بچه ها به دیده شدن و شنیده شدن نیاز دارند. همان زمان که رضا زنده بود، تمام علاقه اش با بازیگری بود. بارها از بازیگران بسیاری خواستیم که سرترمین های هنری نوجوانان و جوانان با استعداد لب خط حاضر شوند، کار آنها را ببینند ولی کسی نیست.»

## کسی صدای رضا را نشنید

رضا به علت دو بار اقدام به خودکشی اش و همچنین سختی ها و مشکلاتی که داشت، تحت اقدامات درمانی و حمایتی لازم به وسیله متخصص بود. از او همه جوهر حمایت می شد: «ماددغه های رضا را می دانستیم. اما کاش صدایش بیشتر شنیده می شد. همه مشکلات از عهده یک نهاد مدنی که حیاتش دائم در خطر است، بر نمی آید. هنگامی که به بضاعت اندک



به جای استقبال و پیوستن به فضای زد، با مسئولیت پذیری هر چه بیشتر، رویکرد عمیق تر و مستقل تری در ورود به رخدادها و مسائل و آسیب های اجتماعی داشته باشند. توقع داریم که نهادها و ارگان هایی که در قانون برای آنها وظیفه ای در حوزه کودکان و آسیب های اجتماعی تعریف شده، حضور با مطالعه و دائمی در این محلات داشته باشند.»

**واکنش ها به مرگ پسر بی آرزو**  
مرگ رضا سوال ها و جنجال های زیادی را به همراه داشته است. نخستین واکنش را احسان علیخانی داشت؛ مجری معروف صداوسیما که هفت سال پیش با رضا گپ وگفتی داشت. احسان علیخانی در پست اینستاگرامی اش نوشت: «درد اینجاست که «درد» را نمی توان به کسی حالی کرد. خبری شوکه کننده و این میزان سنگین برای همه ما که او را دیده بودیم و از دلش خبر داشتیم. رضا ۷ سال پیش مهمان ماه عسل شد. وقتی قرار شد موضوع کودکان کار، برای اولین بار در تلویزیون مطرح شود، رفقای جمعیت امام علی (ع) که در زمینه بچه های کار فعالیت می کردند. آنها دنبال تحصیل و آموزش شان بودند. برای همین گروه ما را با تعدادی از این بچه ها آشنا کردند. مستندی ساخته شد و بچه های جمعیت با کسب اجازه از خانواده ها، تعدادی از بچه ها را به برنامه آوردند تا همه دردهای زیر پوست شهر را ببینیم و کاری بکنیم. چه کسانی که مسئولیت قانونی دارند و چه انسان هایی که از دست شان کاری برمی آید. رضا جمله معروف «آرزویی ندارم چون وقت نکردم بهش فکر کنم» را در برنامه گفت. همه دیدند و آن روز، تعداد زیادی پیگیر کمک و یاری او و امثال او شدند و رضا را پیدا کردند. چند روز بعدش، مهمان ویژه برنامه عید فطر شد و گفت آرزو دارم از این محله برویم.»

رضا با بچه های خانه ایرانی لب خط کار می کرد. با کلی آرزوی جدید و عشق، تا مادرش به طور ناگهانی از دنیا رفت و او دچار شوک و غمی سنگین شد. دوبار دست به خودکشی زد و خانه ایرانی لب خط، رضا را کامل تحت نظر مددکار و روانشناس قرار داد. او قول داده بود هر وقت فکر خودکشی به ذهنش خطور کرد به مددکار صحبت کند. دوباره رضا شروع کرد به درس خواندن و تمرین تئاتر. حتی بازی در چند تئاتر در خانه لب خط و کار کردن تا جایی که خودش دستگاهی بخرد و درآمدی بهتر داشته باشد. رضا دواج کرد؛ در سن کم و با دختری کم سن تر با جزئیات جدید برای او. عکس های رضا در زمین فوتبال و اجرای تئاتر و محل کار نشان می دهد که عشق و امید به آینده در او زنده بود. البته هنوز مراجع قانونی علت فوت را رسماً اعلام نکرده اند. به دلایل حفظ حریم خصوصی و اخلاق، حتی رفقای خانه ایرانی لب

خط هم نمی توانند از مشکلات رضا و پیرامونش حرفی بزنند و باید در این داغ، شریک شد و گریست. چقدر در آن سال ها تحت فشار بودیم که چرا این قدر تلخ و غمگین شده برنامه؟! چرا از درد و رنج می گویند؟! رفقا می دانید چقدر بچه هایی شبیه رضادر همین شهر زندگی می کنند؟!»

## دغدغه های رضا

حالا باید به این سوالات پاسخ داد. رضا دغدغه داشت. مهم ترین دغدغه اش هم محله شان بود؛ وضعیت بسیار اسفبار محله لب خط. «چرا باید خواهر و برادر و دوستانم در همچین محله پرخطری زندگی کنند.» این بزرگ ترین دغدغه فکری رضای بود. رضا از ابتدای هجده سالگی، در یکی از خانه های اشتغال جمعیت حضور می یافت. او در محیطی صمیمی و دوست داشتنی، کنار چند نفر از بهترین دوستان هم محله ای اش، به کار خیاطی می پرداخت.

## از آینده ناامید نبود

رضا دغدغه تأمین هزینه های زندگی خواهر و برادر کوچک ترش را داشت. جمعیت امام علی (ع) درباره مرگ پر حاشیه رضا چنین می گوید: «رضا در شرف تشکیل خانواده نیز بود. او دچار این نگرانی شد که احتمال دارد خانه اشتغال هم تعطیل شود. به همین دلیل از خانه اشتغال رفت و در پرسکاری مشغول به کار شد. هر چند درباره علت مرگ رضا ما صاحب نظر نیستیم و پزشکی قانونی باید نظر دهد، اما در هر صورت باید گفت رضا «روزهای خوبی» را پشت سر می گذاشت. از آینده خود ناامید نبود. البته اینکه می گویم «روزهای خوب» نسبی است. این روزهای خوب رضا، نسبت به روزهای بسیاری است که هر روز بر بی شمار کودکان و نوجوان محلات حاشیه می گذرد. همچنین در زمینه شغلی نیز وضعیت رو به پیشرفتی داشت؛ به طوری که در همین دی ماه، با پس انداز خود و به صورت قسطی، یک دستگاه پرس از صاحبکار خود خریده بود تا درآمدش را افزایش دهد. «در ادامه این بیانیه آمده است: «در صحبت ها و رفتارهای رضادر این مدت، هیچ علایم حادی دیده نمی شد. از طرف دیگر، پس از دومین اقدامش به خودکشی با مریی داوطلبی که پدرا نه و برادرانه چهار سال کنارش بود، عهد بست که هر زمان حالش نامساعد بود، هر ساعتی از شبانه روز با او تماس بگیرد و صحبت کند. همواره به این پیمان خود وفادار بود. اما روزی که از دنیا رفت، مری هیچ پیام یا تماسی از رضا نداشت. در واقع در این چند روز تلخ، به یاد می آوریم تمام دفعاتی را که فرزندان مان را در بحرانی ترین لحظات، به لطف تقدیر یا شانس، به هنگام یافتیم و از لبه پرتگاه خودکشی نجات شان دادیم.»

## خبر

## انهدام باند کپی و فروش کارت های تردد نامحدود مترو

اعضای باند کپی و فروش کارت های تردد یکساله مسافری مترو بدون محدودیت سفردر عملیات پلیسی دستگیر شدند. با مراجعه نماینده شهرداری تهران به پلیس فتا و ارائه شکایت در خصوص کپی کارت های تردد مسافری مترو بدون محدودیت و فروش گسترده این کارت ها در سراسر تهران بزرگ، موضوع به صورت ویژه در دستور کار این پلیس قرار گرفت. در گام نخست نحوه کپی برداری کارت ها در دست بررسی تیم اسکیم پلیس فتا پایتخت قرار گرفت. افسران تیم مبارزه با اسکیم این پلیس اقدامات تخصصی خود را آغاز کردند. کارشناسان پلیس فتا تهران بزرگ با بررسی های گسترده متوجه فعالیت یک باند حرفه ای چهار نفره در خصوص کپی و فروش کارت های نامحدود مترو در سراسر تهران شدند. با اقدامات فنی و پلیسی، اعضای این باند شناسایی شدند و هویت این مجرمان برای پلیس محرز شد.

با به دست آمدن اطلاعات هویتی و محل اختفای متهمان، پرونده در مرحله عملیاتی قرار گرفت. با توجه به اینکه متهمان برای گمراه کردن پلیس هر کدام در نقطه ای از شهر فعالیت می کردند چند اکیپ عملیاتی از پلیس فتا پایتخت به صورت همزمان عملیات گسترده ای علیه مجرمان آغاز کردند. تمامی اعضای این باند دستگیر و بیش از ۲۰۰ کارت مترو از انواع مختلف، یک دستگاه اسکیم مخصوص کارت های تردد و دیگر تجهیزات الکترونیک از محل اختفای این افراد کشف شد.

با انتقال مجرمان به پلیس فتا مشخص شد که این افراد با سوء استفاده از تخصص خود در زمینه نرم افزار دست به این اقدام زده اند و بعد از کپی این کارت ها با حضور در نقاط نزدیک به ایستگاه های مترو هر کدام را با قیمت های گزاف به فروش می رساندند.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اعلام این خبر به شهروندان توصیه کرد: «با دنبال کردن اخبار پلیس که حاوی آخرین شبیه و شگرد مجرمان و راهکارهای پیشگیرانه از آنهاست با افزایش هوشیاری خود از دام شیادان و کلاهبرداران مصون بمانند و در صورت مشاهده هر گونه موارد مشابه و مشکوک برای گزارش می توانید از طریق سایت پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir بخش مرکز فوریت های سایبری با ما در ارتباط باشید.»



## نجات ۵ کوهنورد دریاچه تار

با تلاش امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر دماوند و استان تهران، پنج کوهنورد در ارتفاعات دریاچه تار پیدا شدند. این کوهنوردان از شب گذشته مفقود شده بودند. هلال احمر برای انتقال این افراد از ارتفاعات نیرو اعزام کرد. تیم واکنش سریع هلال احمر استان تهران همراه با یک فروند بالگرد برای تسریع در عملیات جست و جو و نجات به محل حادثه اعزام شد. محمد باقر محمدی، معاون عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر، به «شهروند» گفت: «ساعت دو با مباد چهارشنبه خبر مفقودی کوهنوردان در قله دماوند به مرکز جمعیت هلال احمر اعلام شد. این کوهنوردان در قالب یک گروه ۵ نفری بودند که یک نفر آنها در منطقه امن قرار گرفت. این افراد به قصد کوهنوردی در محدوده رزین کوه گرفتار کولاک و شرایط نامساعد جوی شده بودند. به همین خاطر به سمت دریاچه تار حرکت کردند. جست و جو برای ۴ کوهنورد دیگر آغاز شد. این در حالی بود که عملیات نجات ۵ کوهنورد به دلیل شرایط خاص و کوهستانی بودن منطقه با کندی همراه بود. مهدی ولی پور، رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر درباره این حادثه گفت: «این افراد در دره های انحرافی این منطقه گرفتار شده بودند که خوشبختانه اتفاق خاصی برای آنها نیفتاده است.»

مدیرکل مدیریت بحران استان تهران هم در این باره گفت: «تیم های جست و جوی زمینی موفق به یافتن هر ۵ نفر شدند. این افراد پس از کنترل پزشکی می توانند به منازل خود بازگردند. باید از تمامی دست اندکاران و مسئولان استانی و شهرستانی و همچنین نجاتگران نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشیم که در عملیاتی گسترده و بی وقفه موجب پیدا شدن این افراد در کمترین زمان ممکن و بازگشت سلامت آنها به خانه شدند.» در این عملیات عوامل فرمانداری شهرستان دماوند، نیروهای جمعیت هلال احمر، عوامل انتظامی و نیروهای راهداری حضور داشتند.